



۲۰۲۳/۰۴/۳۰

احسان لمر

محمد ولی خان دروازی

مشروطه خواه و معرف استقلال افغانستان

"ولی خان دروازی وزیر خارجه، وزیر حربیه و نایب السلطنه غازی امان الله خان و یکی از آزادی خواهان واقعی کشورما بود که در مبارزه علیه استبداد و استعمار انگلیس و کسب استقلال نقش مهم داشت. وی به عنوان سفیر سیار دولت مستقل امانی برای اولین بار روابط سیاسی افغانستان را با جهان به مثابه یک کشور مستقل و آزاد تأمین نموده، به کشورهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی سفر کرد تا هویت ملی، استقلال و آزادی افغانستان را به معرفی گیرد." **1**

محمد ولی خان دروازی فرزند شاه ابوالفیض، یکی از خان های ولسوالی درواز بدخشان می باشد، در باره سال تولد او نظرات مختلف وجود دارد، دکتور فرهادی 1875م - رحمت الله بیژنپور 1883 م و در جای دیگر 1891م پنداشته اند.

فیض محمد کاتب در ذیل وقایع سال 1305 هـ ق - 1887م، نوشته: «شاه ابوالفیض خان و شاه محمود خان دروازی،



از دیرگاه وطن مالوف شان را از سبب مخالفتی که با پادشاه بخارا داشتند فرو گذاشته از راه انتقال در خوفند جای گزیده شدند» **2**

عبدالرحمن خان به این دو برادر در کابل حق شهروندی داده و فامیل های شان را هم از بخارا بخواست. می گویند محمد ولی خان در مکتب - بابای خودی - درس خوانده این امیر که برای جلوگیری از خیزش های متنفذین محلی، پسران این افراد را به بهانه تعلیم و تربیه در دربار خود نگهداری می کرد تا بدین وسیله هم پدران شان را در اختیار خود داشته باشند و هم پسران شان که غلام بچه نامیده می شدند، راه و رسم دربار و درباری آموخته در خدمت شاهان دوره باشند. دروازی هم در 3 اکتبر 1901 به جمع غلام بچه های دربار امیر حبیب الله خان پیوست اما وضعیت سیاسی - اجتماعی آن دور بخصوص جنبش مشروطه خواهی، اول شور دیگری را در او پروراند. دروازی با محمود طرزی، عبدالهادی داوی، میر سید

قاسم خان، امان الله خان (شهزاده مترقی و پیشرو دربار) و دیگران ارتباط و دوستی نزدیک را برقرار نمود که بیشتر بر هم فکری مترقی یک دیگر شان استوار بود. پسان ها این دوستی تأثیرات مثبتی بر اوضاع افغانستان داشت و دوره سرکوب دروازی را تا چوبه دار به پیشواز آن دوستی ها و افکارش برد. در سال 1909 که نخستین مجلس ۵۲ نفره موسسان جنبش مشروطه دایر گردید، مشروطیت اول زیر نام «جمعیت سری ملی» یا «نهضت جوانان افغان» شکل گرفت و دروازی جوان یکی از پرچم داران این جنبش بود.

«دراین ضمن امیرامان الله که از شاهزادگان آگاه و بیدار است با محمد ولی خان آشنا می شود و به او اعتماد کلی پیدا می کند بدین گونه ارتباط محمد ولی خان با خاندان سلطنتی روز بروز زیاد تر و محکم تر می گردد و محمد ولی خان از جریانات درونی خاندان سلطنتی باخبر می شود. فعالیت جوانان افزایش یافته و امیرامان الله دید وادید های مکرر را با محمدولی خان انجام میدهد و امیر امان الله دختر خاله مادرش سراج الخوانین را بنام محبوبه سلطان در قید ازدواج

1 - بهروز پویان - ولی خان دروازی، معرف استقلال افغانستان - سایت همیستگي 22 حمل 1393

2 - همانجا به نقل از - (سراج التواریخ فیض محمد کاتب جلد سوم بخش یکم طبع 1395)

محمد ولی خان در می آورد. در این میان افکار سیاسی سید جمال الدین افغان در افکار جوانان راه می یابد، جوانان به دسته ها منقسم و هر یک به ذات خود در اطراف خود با جوانان و شخصیت های سیاسی زمزمه های این افکار متریقی را برآه می اندازند. در این تحریکات سیاسی پشتون، تاجیک، ترک و بلوچ و هزاره راه می یابند. همه ب فکر آن اند که شاهی مطلقه افغانستان را به گونه رژیم شاهی مشروطه آن مبدل سازند.» **3**

در دوران امیر حبیب الله خان سراج دروازی «با محمود طرزی محشور و نزدیک است او با اندیشه آزادی خواهی و لیبرالی خواهان «اصلاحات تدریجی» می باشد بناعا او عضو مخفی سازمان سیاسی مشروطه خواهان است» **4**

زندگی یا شناسنامه دروازی بدین گونه خلاصه می شود «- سر جماعه خان زادگان و ملک زادگان در دربار دوران امیر حبیب الله خان سراج - داماد خاله شاه امان الله - عضو مخفی سازمان سیاسی مشروطه خواهان - از طرفداران آگاه و صدیق دولت ملی شاه امان الله - آزادی خواه مبارز و متریقی» **5**

او کشته شدن امیر حبیب الله را که در حقیقت یک کودتای مشترک اعضای فامیل سلطنتی و دیگران بود عملا دید و تاجائی که غبار گوید: «محمد ولی خان سرجماعه مامور گردید که میت امیر را بجلال آباد منتقل سازد و تیلفون لغمان و جلال آباد را زیر سانسور قرار گرفت» **6**

با آغاز سلطنت اعلیحضرت امان الله خان نقش محمد ولی خان در میدان سیاست فوق العاده برجسته می شود، وی برآزندگی خود را در عرصه عملی سیاسی در سفرش برای شناساندن استقلال کشور ثابت می سازد. می توان گفت که فقط ده روز پس از اعلان سلطنت امان الله خان در سوم مارچ 1919 نامه ای به لارڈ چلمسفورد نائب السطنه ای هند بریتانوی فرستاد و خواهان تجدید رسمی ماهده سال 1905 شد. بعد در دو مسیر تدارک نظامی و فعالیت دیپلماتیک حرکت را شروع نمود. در قدمه نخست در 7 اپریل نامه ای عنوانی رهبران روس و استقلالیت افغانستان فرستاد. چون ناذب السطنه هند پس از 43 روز تقاضای مشروع افغان ها را نا دیده گرفت در **20 اپریل همان سال** هیئت افغانستان آزاد تحت ریاست محمد ولی خان دروازی سفر دیپلماتیک شان را آغاز نمودند. میر غلام محمد غبار در اثر ماندگارش «افغانستان در مسیر تاریخ» درمورد سفر وی به روسیه نقل می کند: «رئیس این هیئت بزرگ یکی از روشنفکران لیبرال دربار محمد ولی خان بدخشانی و یک عضو عمده آن یکی از فضلاء مشروطه خواه افغان میر یاریک خان بدخشانی بود که روز حرکت از کابل در پشت اسب سخته کرده از جهان بگذشت و سبب تأثر در حلقه های روشنفکری کشور گردید. سایر اعضای این هیئت عبارت بود از میرزا محمد یفتلی، عبدالرحمن خان لودین، محمد گل خان مهمند، سردار فیض محمد خان زکریا، قاضی سیف الرحمن خان، عبدالرحمن خان کمیدان، خواجه هدایت الله خان، بشیر احمد خان، عزیز الرحمن خان، غلام جیلانی خان (چرخ) و غیره.» **7**

هیأت افغانی ده روز قبل از آغاز جنگ استقلال راهی آسیای میانه شده به بخار و سپس تاشکند رفتند. ایشان تلاش داشتند بعد از سفر مسکو خویش را به اروپا رسانیده و به عالمیان آزادی شان را اعلام دارند بخصوص که کنفرانس وارسای (جنوری 1919) به اشتراک هفتاد گرو از 27 کشور فرصت مساعدی برای هیأت افغان بود اما روسها به بهانه های مختلف آنها را در تاشکند معطل نمود تا کنفرانس ختم شد. روسها «این اصل را نیز در چهار چوب برنامه های

3 - دکتور نعمت الله شهرانی - محمد ولی خان دروازی -

4 - همانجا - (جمال الدین سینا - جایگاه شهید محمد ولی خان دروازی و پیروزی جنبش مشروطیت و استقلال افغانستان -)
ص 54

5 - دکتور عبدالغفور آرزو - مجموعه مقالات سیمینار گرامیداشت از محمد ولیخان دروازی. سال چاپ 1397 مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه

6 - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد اول ص 741

7 - همان جا صفحه ۷۸۶.

بلند پروازانه ی منطقه وی خویش شکل داده سیاست دولت افغانستان را زیر ساحه ی نفوذ خویش بکشاند. و از سوی دیگر از انگلیس بیم داشت تا مبادا از نزدیک شدن افغانستان به روسیه به خشم آمده در آسیای میانه که آن را میراث تزار برای خویش می پنداشتند و بریتانیه در حواشی آن نفوذ داشت به انتقام جوئی باغازد» 8

درست در همان هنگامی که جنرال محمد ولی در تاشکند مصروف مذاکرات سیاسی با نمایندگان مسکو بود رهبران آنکشور نیز دم از حمایت از جنبش آزادی خواهانه مردم افغانستان میزدند، افزون بر «حزب عدالت» کامران آغا زاده به سازمان دهی مخفیانه گروه دیگری زیر نام کمیته مرکزی «جوانان انقلابی افغان» پرداخته، «شخصی بنام محمد یعقوب را در راس این تشکل قرار دادند آنها حتی در انتخاب نام این گروه نیز نیرنگ زیرگانه یی بکار بردند زیرا در این هنگامی که جنبش «جوانان افغان» تازه قدرت را به دست گرفته و با اعلان استقلال کشور محبوبیت بی سابقه یی در بین مردم کسب نموده بودند». 9

به نقل از اسناد استخباراتی انگلیس ها در پشاور که بدست امنیت دولت امانی هم رسیده اسم رئیس آن گروه حاجی محمد یعقوب رستاقی، و دو نفر دیگر جعفر رفیق و خال محمد میمنه گی در رهبری این بود.

«سر انجام جنرال محمد ولی پس از دو سال تلاش توانست ماهه 12 فقره ئی سیاسی و تجارتی را با دولت روسیه به امضا برساند که به اساس ان استقلال هم دیگر را به رسمیت شناخته ...» {10} اغلب موارد این ماهه متضمن منافع ملی افغانستان است.

در زمانی که هیئت افغان در انتظار ویزه اروپا بودند دست به ابتکار زده وبا نمایندگان دول ترکیه و پارس در مسکو داخل مفاهمه شدند و موفق به امضای پیمان دوستی و همکاری متقابل به تاریخ اول مارچ 1921 با ترکیه و دوم جون همان سال با پارس (ایران کنونی) شدند.

در 27 سپتمبر 1920 گوستاف هیلگر المانی به دولت شان اطلاع داد که محمد ولی خان با گرایش به روابط سیاسی و تجارتی علاقه فراوان دارد بدین نحوه ویزای آنکشور را بدست آوردند که بلاخره در 16 فیروزی 1921 برای افغانها ویزه المان را دادند. و بعداً با دسایس بریتانیه آنرا تعلیق نمودند که کار از کار گذشته بود.



از راست به چپ: ورنر فون هنتگ مهماندار المانی
- جنرال غلام صدیق خان چرخي - محمد ولی خان
- فیض محمد ذکریا - کرنیل حبیب الله ابوی مستشار
نظامی هیئت. ایستاده از راست به چپ: محمد ادیب
افندی و سلطان احمد ترجمان المانی

8 - دکتور اسد الله شعور - پیش اهنک دیپلماسی معاصر و چالش های فرا راه وی - خزان 1397 مرکز مطالعات وزارت خارجه صفحه 36

9 - اسد الله شعور ص 40

10 - شعور ص 52.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 3 تر 18

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

در روم برعکس المان پذیرائی هیئت افغانی گرم و صمیمانه بود و در سوم جون 1921 بدون کدام مشکلی پیمان را با محمد ولی خان امضا نمودند. لارڈ کرزن از اشرافیان نهایت مغرور و متفرعن، متکبر، خود خواه، خود بین انگلیس است که ملل مستعمره بریتانیه را «بدون ارزش های انسانی تلقی می کرد» او در آن زمان وزیر خارجه در لندن بود سفیر ایتالیا را احضار و به ماهده با افغانستان اعتراض شدیدی نمود.

هیئت افغانی به فرانسه امده و مورد استقبال گرم قرار گرفتند و در 28 اپریل 1922 بین دو کشور روابط سیاسی و اقتصادی موافقه شد. زمانی که تقاضای ویزه امریکا را نمودند سفیر امریکا در پاریس به سفیر بریتانیه در آنجا نامه فرستاده و سفیر انگریز چنین جوابیه نوشت که: «..... فقط برای اطلاع شخص شما می خواهم این را اضافه کنم که دولت ما به فعالیت های این هیأت و تلاش هایش برای انعقاد پیمان با کشور های دیگر دیدگاه مساعدی ندارد. فکر میکنیم افغانستان با وجود تظاهر به استقلال هنوز هم در حیطه ی تسلط سیاسی ما است از این رو جلو هر اقدامی را که نشان دهنده عدم دخالت ما در امور خارجی این کشور باشد خواهیم گرفت. در حقیقت آرزو مند دستیابی روابط نزدیک تری با افغانستان در آینده ی نزدیک هستیم. باور کنید این نخستین بارست که قصد سفر هیأت به ایالات متحده ی امریکا آگاهی می یابم.

با احترام . امضای هاردینگ پنس هرستی

چنین دیدگاه منفی دولت بریتانیه تاثیر شگرفی بر دولت مردان امریکا گذاشته ، سبب گردید که مناسبات سیاسی کشور ما با ایالات متحده در حدود چهل سال پس از این تاریخ بر قرار گردد.» 11

بعد از این هم انگلیسها به «شرم آور ترین دسیسه های تاریخ دیپلوماسی جهان که توسط استخبارات بریتانیه برنامه ریزی شده بود» دست زدند.

هیأت افغانی دوم جولای 1921 فرانسه را به قصد نیویارک ترک گفتند که قبل از رسیدن افغانها به ان شهر تخریبات سازمان یافته انگلیس در مطبوعات امریکا آغاز شد.

«انگلیس ها در عین زمان برای خنثی کردن فعالیت های هیئت افغانی توطئه جدیدی را براه انداخته و یک افغان مجهول الهویه به نام شاهدخت فاطمه سلطانه، یکی از بازماندگان شاه شجاع را که در هند بریتانوی زندگی میکرد، به امریکا آوردند. این خانم با خود یک الماس 55 قیراط بنام «دریای نور» را نیز داشت، با پاسپورت انگلیسی وارد سانفرانسیسکو



شده با سه پسر نو جوانش توسط جنرال قونسل انگلیس پذیرایی و به نیویارک فرستاده شده و در آنجا توسط شخص نامعلومی، به مطبوعات معرفی شده بود. روزنامه نیویارک تایمز در شماره نهم جولای ۰۲۲۰ تحت سرخط "شاهدخت افغان با سه پسرش به نیویارک آمد" نوشت که شاهدخت فاطمه سلطانه از کابل، خواهر شاه موجوده افغانستان دیروز با سه پسرش از سانفرانسیسکو وارد نیویارک شدند....

فاطمه سلطانه با سه پسرش و استیفان جیکب ویبرگ کلا بردار (شخص با یونیفورم قوای بحری امریکا) در واشنگتن 1921

تا با رئیس جمهور ملاقات کند. سفیر بریتانیا مشغول ترتیب ملاقات شان با رئیس جمهور هاردینگ می باشد....

طوری که دیده شد، این بار تلاش ها و توطئه های انگلیس برای جلوگیری از تأسیس مناسبات سیاسی افغانستان با ایالات متحده آمریکا به نتیجه مطلوب رسید. محمد ولی خان، سفیر فوق العاده غازی امان الله شاه به همراهی هیئت اش به تاریخ 30 جولای 1921 روانه لندن شد. وی هنگام عزیمت در مصاحبه مطبوعاتی به خبرنگاران از دادن معلومات بیشتر ابا ورزیده تنها گفت که «این یک مأموریت دیپلماتیک سری بود، که به اهدافش را بدست آورده نتوانست.»¹²

اسد الله دشعور به نقل از ریهه ستوارت خبرنگار نیویارک تایمز و نویسنده «آتش در افغانستان» نوشته که شخصی که ملاقات شاهدخت ثقلی را با رئیس جمهور آمریکا سازمان داد استیفان جیکب و بیبرگ «فرد کلا برداری بود که هر گاهی بنام ها و موقعیت های کاری گوناگونی ظاهر می شد».

آقای شعور از زبان لودیک ادمک در حضور شاهدخت هندیه - دکتر سينا دلیری دکتر ننگیالی طرزی و دکتر فرهادی شنفته بود که «این حرکت سازمان داده شده ی انگلیس ها برای تخریب سفارت سیار افغانستان بود و کدام هدف دیگری نداشت» (شعور - ص 96)

چنانکه رئیس جمهور هاردینگ فاطمه را در دعوت چاشتی در قصر سفید پذیرفت و بدین نحو سیاست و دستگاه استخبارتی انگلیس تا چه اندازه در دولت آمریکا اثر گذار بوده ملاحظه می نمایم. این انگلیس ها بعد از بر آورده شدن هدف شان به نیرنگ الماس را از وی گرفته حتی پول کرایه هتل های لوکس نیویارک و واشنگتن را او او گرفته با دست خالی از آمریکا بیرونش کردند.

هیأت بعد از نا امیدی از آمریکا به طرف انگلستان رفته در 8 اگست 1921 به لیورپول رسیدند. اینبار باز انگلیس ها به ولی خان گفتند که: «تنظیم روابط کار دیوان هند وزارت امور مستعمرات است نه وزارت خارجه» هر چند با اصرار محمد ولی خان دیداری با وزیر خارجه کرزن ترتیب شد ولی وزیر مغرور انگریز «با کمال بی ادبی عین مطلب را تکرار نموده گفته بود که شما را به عنوان نماینده سیاسی کشوری بنام افغانستان نمی شناسم. و نامه وزیر امور خارجه افغانستان را در حضور هدیت کشور ما نا گشوده به سکرترش سپرد تا به دیوان هند تسلیم نماید.»¹³

این گستاخی و بی ادبی لارد کرزن باعث شد که محمد ولی خان تقاضای ملاقاتش را با پادشاه انگلیس فسخ نموده. در کابل وزارت خارجه نسبت این رویداد واکنش تند نشان داده در نامه 28 اگست محمود طرزی به هنری دابیس رئیس هیئت انگلیس را بدون القاب «جناب داب» نوشت، و اقدام محمد ولی خان در فسخ دیدار شاه هم مورد تقدیر مقامات افغان قرار گرفت و مرحوم داوی مدیرشعبه هند و اروپا در وزارت خارجه عنوانی دروازی فرستاد نوشت: «از روزی که ملاقات شاه جورج را رد کرده اید، ما مستقل شدیم. اجرکم علی الله تعالی. من هر قدر فریاد می کردم کسی نمی شنید و واسطه وزارت هند را قبول می کردند، و اما شما با حرکت (خصلت) مردانه، آن کلمات منحوسه را از ما هدهده ی ما قلع و قمع کردید» {14} (تاریخ نامه داوی سوم جدی 1300 - 24 دسمبر 1921)

محمد ولی خان در سفر دو ساله شان به اروپا و آمریکا چهره نوینی از افغانستان مستقل ارائه نمود چنانچه شاه امان الله خان در دعوت رسمی اعلان کرد که: «سفیر مختار عزیز ما نور چشم ماست، تنها از من نی، بلکه نور چشم تمام ملت است. به مناسباتی که کرده اند نمی دانم چقدر اظهار ممنونیت کنم. در هر دولت عزت، شرف و نام افغانستان را به

12 - دکتر عبدالرحمن زمانی - توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی - افغان جرمن 2012/04/08

afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/zamani_abr_tawtea_haye_englis_alaihe_

13 - شعور ص 116

14 - شعور ص 118 به نقل از نامه داوی به ولی خان اسناد آرشیف شخصی احمد ولی سروش (پسر محمد ولیخان) در استراليا

درجه ای نگاه کرده اند که از اندازه ای که ما فکر می کنیم هم زیاد است»^{15} و بدین گونه نشان عالی دولتی «لمر اعلی» به وی اعطا شد.

در این سفر سه قاره ای محمد ولی خان دروازی، با صد ها مشکلات و سرگردانی ها سنگ اندازی های زیاد توانست به هدفش روابط دیپلماتیک را با شش کشور برقرار سازد و «افزون براین شرایط را برای به رسمیت شناختن افغانستان به حیث یک کشور مستقل، و داشتن روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با چندین کشور دیگر در آینده نزدیک نیز مهیا گرداند»¹⁶

در نتیجه چندین کشور از قبیل فرانسه، آلمان، ترکیه و ایتالیا سفارت خانه های شان را در افغانستان گشودند و افغانستان هم بدین شکل سفارت خانه اش را در این کشور ها باز نمود. بر علاوه آن، آلمان یک مکتب پسران به نام «لیسه عالی امانی» و فرانسه دو مکتب پسران و دختران به نام های «مکتب امانیه» (بعدها پس از سقوط دولت امانی به استقلال تغییر نام کرد.) و «لیسه ملالی» را ساختند. ۴۰ تن از شاگردان بچه برای تحصیلات عالی به فرانسه و آلمان فرستاده شدند و تعدادی از دختران به ترکیه. جمعی از کارشناسان آلمانی، فرانسوی، ایتالی و ترکی برای رشد و توسعه امور تعلیم و تربیه، باستان شناسی، صنعتی و نظامی به افغانستان آمدند که حتا امروز مردم افغانستان از پروژه های بنیادین آن زمان مستفید می گردند.

پس از سفر دو ساله، دروازی به افغانستان برگشت و به جای محمود طرزی، سمت وزارت خارجه و بعدها وزارت حربیه (وزارت دفاع) را به عهده گرفت. در ماه جون سال 1924 در پکتیا اغتشاش شد و شاه محمد ولی خان شخصاً بخاطر آرام ساختن اغتشاشیون پکتیا به آن ولایت رفت و درین باره میر محمد غبار می نویسد: «از دیگر طرف محمد ولی خان وزیر حربیه که از گردیز، ارگون و کتواز و خوست و جدران را مراقبت میکرد، اداره منطقه بین گردیز و میرز که را بسردار شاه ولی خان و اداره منطقه بین میرزکه و خوست را به علی احمد خان رئیس تنظیمه مشرقی داد و خود شورشیان زرمات را مغلوب و چهل نفر گروگان گرفت. همچنین کتواز را تامین کرد و پسران عبدالکریم خان تحصیل دار را بگروگان در آورد. از آن به بعد او داخل ارگون و جدران شده در جنگ های سپین تخت و شاهی کوت زرمات و نیکه جدران شرکت ورزید. اما در اشغال نیکه جدران و شکستن مدافعه اغتشاش کنندگان فقط جنرال محمد عمرخان موفق گردید حبیب الله خان معین حربیه که باری منگل ها را در راه میرزکه شکسته بود نیز در معیت وزیر حرب قرار داشت. وزیر حربیه بعد از جدران والمهره به خوست رفت و مکاتب دولتی را مجدداً دایر کرد. باین ترتیب اغتشاش بزرگ پکتیا با ریختن خون جوانان افغانستان خاتمه یافت و هشتاد کدک عسکر منظم و غیر منظم در سر تا سر پکتیا مقیم گردید. آخرین قوه مقاوم اغتشاشی پکتیا (سنگ خان، زلمی خان و مردم موسی خیل منگل نیز از سپاه دولت شکست خوردند و فرار کردند. ببرک خان مشهور جدارنی که یکی از حامیان کشور و از حامیان دولت مرکزی

بود، در طی همین جنگها بطرفداری از دولت کشته شد.»¹⁷

محمد ولی خان پس از خاموش ساختن اغتشاش در پکتیا در ماه اپریل 1925 م بکابل برگشت و بکار های مهم اداری وزارت حربیه و دربار مصروف گشت: «در هر حال شاه قبل از آن که نادر خان از وزارت حربیه بر طرف شود نخست امور سرحدات آزاد را که اهمیت خاص در مجاری سیاست افغانستان و انگلیس داشت، از اختیار نادر خان کشیده و به رقیب سیاسی اش محمد ولی خان داد و متعاقباً محمد ولی خان را که تنها یک نفر سیاستمدار بود در جای نادر خان به وزارت حرب گذاشت. پسان تر امور سرحدات را از محمد ولی خان هم گرفته به محمود خان یاور داد و این شخص کم کفایت آن کار مهم را خراب تر ساخت در حالی که بعضاً اداره سرحد در دست رئیس سرحدات محمد اکبر خان

15 - دکتور آرزو ص 57 به نقل از «نطق های غازی امان الله خان ناشر اکادمی علوم جمهوری افغانستان»

16 - اسد الله شعور - پیشگفتار.

17 - غبار جلد اول ص 810

یوسفی جنرال قنصل سابق افغانی در دهلی بود و او همان شخصی است که در دولت نادریه وزیر تجارت افغانستان گردید.» 18

محمد ولی خان در دوره نه ساله پادشاهی شاه امان الله هر وقتی که شاه به سفر میرفت بحیث وکیل سلطنت کار می کرد و یکی از آن اوراق را در میان اسناد این کتاب مشاهده می نمائید که در سفر قندهار محمد ولی خان را به عوض خود وکیل سلطنت انتخاب کرده می فرماید که در اوامر تحریری کلمه به امر (یعنی به امر شاه امان الله خان) را در کنار امضای خود بنویسد، خلاصه اینکه محمد ولی خان دروازی از هر نگاه در نزد امان الله مقرب بود و دوره شاهی اعلیحضرت امان الله خان برای محمد ولی خان یک دوره طلایی بوده با عزت و حرمت تمام در فعالیت های سیاسی و اداری و در بلند ترین مقام سلطنت نقش عمده داشته است.

فضل غنی مجددی وجود گروپ بندی یا اختلافات در بین ارکان دولت امانیه چنین جمع بندی کرد:

– گروپ طرفدار سلطنت مطلقه مثل سردار عبدالقدوس اعتماد دوله.

– گروپ مشروطه خواهان مانند محمود طرزی و دیگران.

– طرفداران سردار نصر الله خان به قول محمد رفیق خان آصفی "مجلسی که در منزل عبدالغفور جان مجددی به اشتراک طرفداران حبیب الله کلکانی و سردار نصرالله خان دایر شد، مجددی ها از نظرات طرفداران سردار نصرالله حمایت نمودند." 19

تنظیم محمد ولی خان «منظم ترین تنظیم آن وقت به حساب می رفت پروگرام سیاسی تنظیم شبیه سوسیال دموکرات امروزی بود» اما این ها هم به سه دسته (مشروطه خواهان جمهوری خواهان و سوسیالیست ها) منقسم بودند. اما ادعا مجددی «محمد ولی خان در تقویه حبیب الله کوشید» قرین به حقیقت نیست.

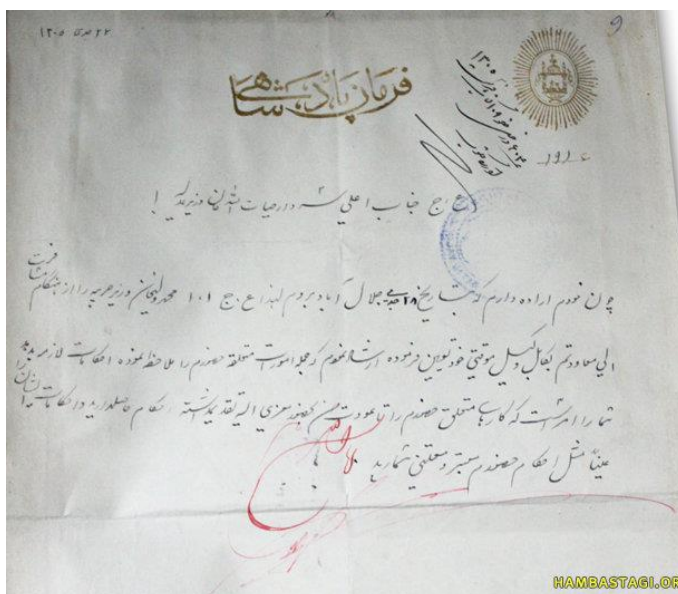
– گروپ علی احمد خان لویناب.

– گروپ غلام نبی خان چرخ

فضل غنی مجددی درباره اختلاف میان یک تعداد ارکان دولت چنین می آورد : « اختلافات بین جنرال محمد نادر خان و جنرال محمود سامی زیاد بود و همچنان بین محمد نادر خان و وکیل پادشاه محمد ولی خان . محمد ولی خان و محمود سامی در کوشش بودند تا محمد نادر خان را از حکومت و قوای نظامی خارج سازند و برای عملی نمودن این هدف با محمود طرزی جبهه مشترک و قوی را ساختند و علیه برنامه محمد نادرخان رای دادند

فرمان شاه امان الله که در ۲۲ جدی ۱۳۰۵ صادر شده و طی آن ولی خان دروازی را در سفرش به جلال آباد وکیل سلطنت در کابل تعیین نموده است.

{فوتو از سایت همبستگی}



18 – غبار جلد دوم ص 24

19 – فضل غنی مجددی – افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان – طبع 1997 فریموند امریکا ص 228.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 7 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

و از اصلاحات مشاورین ترکی حمایت کردند و مجلس وزرا قوانین پیشنهاد شده از طرف مشاورین ترکی را اساس قرار داد که به اساس آن معاش عساکر از 20 روپیه به 14 روپیه و بعدا به پنج روپیه تقلیل یافت.» **20**

آنچه از نوشته آقای «فیاض نجیمی بهرمان» بر می آید: «اما در درون جنبش «جوانان افغان» شخصیت های به مثل لودین یا محمد ولی خان (وزیر دفاع پس از نادر خان) موجود بودند که با روسیه شوروی نزدیکی داشتند. حتی بعد از سال 1924 به توصیه محمد ولی خان، یک تن از شخصیت های چپ طرفدار شوروی و عضو فعال جوانان افغان به نام محمد عمر خان به حیث فرمانده عمومی ارتش یا لوی در ستیز مقرر شد که دارای تحصیلات بسیار عالی در آن زمان بود و به 4 زبان انگلیسی، روسی، فرانسوی و آلمانی تکلم میکرد» **21**

«محمد ولی خان دروازی شتاب زدگی (اعلیحضرت امان الله خان) در تقلید از غرب را نمی پسندد با آنهمه همکاری و سابقه دوستی سر انجام از شاه جدا شد و به بهانه مریضی و معالجه از شاه رخصت خواست و شاه امان الله دو ماه پیش از سقوط، وی را از وزارت حربیه سبک دوش کرد.» **22**

زمانی که حبیب الله کلکانی بر تخت سلطنت تکیه زد، محمد ولی خان را با عزت و احترام و نظر خوب میدید، چنانچه فضل غنی مجددی می نویسد: «حبیب الله خان موقف محمد ولی خان را نسبت به خود همیشه تقدیر میکرد و طی فرمانی از روش محمد ولی خان این طور تقدیر کرد: محمدولی خان هر قدر عسکر و نفر که بخواهد داده شود. (فرمان نمبر 418، 23 شعبان 1348) - (24 جنوری 1930)

«عالیجاه عزت همراه محمد محسن خان والی و عزتمند سید آقا خان قوماندان، صداقت همراه محمد ولی خان وکیل سابقه امان الله را از حضور اجازه داده شد که به خانه خود برود، لذا شما را امر است که به مصلحت خود نامبرده هر قدر نفری که برای بهره و حفاظت مالی و جانی خود بخواهد برایش مقرر کرده به نفری خود امر را بفهمانید که در تحت اثر خود وکیل بوده و به مال و هستی و خود او تکلیفی نرسانند و محض برای حفاظت خانه او باشند که از دیگر هم مزاحمتی به آنها نشود تا با آسوده حالی با عایله خود باشند.» محل امضاء شیرجان، مهر حبیب الله، ثبت صحیفه 11 فرامین دوره حبیب الله خان **23**

از امریه بالا دانسته می شود که شاه محمد ولی خان مدت کوتاهی را در توقیف بوده و جمله این که "محمد ولی خان وکیل سابقه امان الله را از حضور اجازه داده شد که بخانه خود برگردد" در توقیف "خانگی" بودن او را ثابت می سازد. محمد ولی خان در دوران امیر حبیب الله کلکانی هیچ کاری را انجام نداده و خانه نشین بود و این می رساند که موصوف در وقت حرکات امیر حبیب الله کلکانی بر علیه حکومت امان الله کدام همکاری نه نموده و اگر می کرد، طبعاً نظر به لیاقت و کاردانش مقام بلند تری را بدست می آورد. "و کسانی که محمد ولی خان را در کمک رسانیدن به امیر حبیب الله کلکانی نسبت میدهند تهمت و دورغ است." **24**

20 - همان جا ص 141

21 - «فیاض نجیمی بهرمان» تحت عنوان - نخستین سازمانهای چپ رادیکال افغانستان در دهه 1920 - از سایت didgah.de/archives/253 مورخ 5 جنوری 2017 نقل شده و نویسنده با استفاده از نوشته های مورخین و محققین شوروی وقت آنرا جمع بندی نموده است.

22 - سر محقق سیما رسولی - نقش محمد ولی خان دروازی در تاریخ معاصر افغانستان - مجموعه مقالات سیمینار گرامی داشت... ص 73

23 - فضل غنی مجددی - ص 266 به نقل از محکمه محمدولی خان

24 - شهرانی

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 8 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپړلو مخکي په خير و لولئ

بعد از فرو پاشی دولت امانی اکثریت روشنفکران مشروطیت دوم و کسانی که با شاه امان الله خان همکاری داشتند توسط حبیب الله کلکانی و پس از آن نادر شاه مورد تعقیب قرار گرفتند. در این میان نادر شاه با عقده گشایی بیشتر دگر اندیشان و آزادی خواهان را جوخه جوخه به چوبه دار بست و یا در زندانهای مخوف انداخت. محمد ولی خان دروازی نیز توسط نادر شاه با نهایت کینه توزی و توطئه دستگیر، و چند تن از چاکران از جمله سردار احمد علی لودین را گماشت که با اتهام دروغین علیه این انسان بزرگ شهادت دهند که با دولت حبیب الله کلکانی همکاری می کرد. غبار صورت مآخذه محمد ولی خان را چنین آورده است :

"متعاقباً مردی چون محمد ولی خان وکیل شاه امان الله خان را که برای تحکیم استقلال کشور خدمات سیاسی زیادی انجام داده بود حکومت در زمستان (1929 م)، با محمود سامی یکجا به محاکمه کشید. (در حالی که محمود سامی افسر نظامی و محل محکمه او دیوان حرب بود نه دیوان عالی ملکی) این کار برای آیین بود که محمد ولی خان را در انتظار مردم افغانستان ... یک شخص مشکوک و شبهه ناک وانماید. استناد نادر شاه درین حکم ، گرفتن یک عریضه جعلی از یک عهده (سقویها) بود که آنان از ترس تهدید حکومت جدید اظهار کرده بودند که در اغتشاش بچه سقاو تنها گناه آنها نیست بلکه رجال حکومت امان الله خان هم بشمول محمد ولی خان از بچه سقاو حمایت می نمودند. در حالی که نادر شاه متعرض هیچ کدام آنها از قبیل احمد علی خان لودین و دهها نفر خارجی پرست دیگر نشد و تنها محمد ولی خان را از نظر مخالفت سیاسی به دیوان عالی کذایی تسلیم نمود." 25

غبار علاوه میکند که : "رئیس این دیوان عالی مصنوعی عبدالاحد خان وردکی ماهیار و پیش کارش احمد علی خان لودین و مدعی اثبات جرم ملا امیر غلام ننگرهای بودند" غبار که در محاکمه محمد ولی خان منحنیث سامع عضویت داشت و مشاهداتش را چنین می نویسد : "عبدالاحد خان همان آدمی است که در غزنی شاه امان الله خان را در مقابل بچه سقاو تخریب کرد و به عقب نشینی واداشت ، احمد علیخان آدم دیگری است که دهارة بچه سقاو را ضد شاه امان الله با اسلحه دولت مجهز ساخت. ملا میر غلام یکی از دشمنان سر سخت امان الله خان بود که مقالات خصمانه و ارتجاعی او در جریده انیس ضد شاه و ترقی و تحول منتشر گردیده است. علی محمد خان و میرزا محمد حسین خان از قبل تحت اشتباه سیاسی روشن فکران قرار داشته و به طرفداری از سیاست استعماری مظنون بودند.... شهود اثبات جرم علیه محمد ولی خان هم مامورین و اعضای باند بچه سقاو بودند از قبیل خواجه بابو خان کوهدامنی وزیر داخله بچه سقاو، عطاء الله خان صاحب زاده وزیر خارجه بچه سقاو، آغا سید احمد خان رئیس ضراب خانه سقوی، سید آقا خان قوماندان کوتوالی سقوی، خواجه میرعالم خان برادر وزیر داخله سقوی، میرزا عبدالقیوم خان مستوفی سقوی، محمد عمر خان و عبدالرحیم خان کوهدامنی، هم چنان از کارکنان حکومت جدید گل احمد ملکیار معین وزارت عدلیه، امیر محمد نام بهسودی و زین العابدین جزء شهود علیه محمد ولی خان بشمار می رفتند. اعضای این دیوان عالی هفتاد و پنج نفر و از جمله دو نفر از کابینه بر سر اقتدار، بیست و سه نفر از شورای کذایی و 32 نفر از ولایات بودند." 26

از ورای افغانستان در مسیر تاریخ غبار چنین پیداست که پیش از همه در داخل محبس اعضای تحقیق که عبارت از حافظ جی عبدالغفار، میرزا محمد حسین دفتری و سه نفر دیگر از محمد ولی خان سوالها می کردند و بعداً که جلسه اول بتاریخ پانزده دلو 1308ش (4 فبروری 1930) بر پا شد و اوراق تحقیقات بالایی و یا ابتدایی در غیاب محمد ولی خان در جلسه خوانده شد و بعد از پنج روز یعنی بیست ماه مذکور که بنام جلسه دوم با حضور محمد ولی خان در قصر ستور در حضور چند نفر از سامعین برگزار گردید. از جمله مشاهدین در این محکمه جعلی و دروغین از اعضای جمعیت سیاسی جوانان افغان غلام محی الدین خان آرتی، عبدالرحمن خان لودین و خود میر غلام محمد غبار و یک نفر از شخصیت های هندوستان بنام راجه مهندرا پرتاب که از آزادی خواهان مشهور هند بود تشریف داشتند. غبار این طور حکایه می کند: "محمد ولی خان احضار و مقابل میز رئیس جا داده شد. او همان چهره آرام و سنگین همیشگی خود را داشت و با متانت و خونسردی قرائت اوراق تحقیقات ابتدایی را شنید. چون در جواب های کتبی خودش اتهامات متناقض هیئت

25 - غبار جلد دوم ص 62

26 - غبار جلد دوم ص 62.

تحقیق را به وضاحت تردید و ابطال نموده بود منتظر بود رئیس اتهامات حکومت را علیه او ثابت نماید. مدعی اثبات جرم شهود ساختگی را پیش کشید و از جمله اولتر احمد علی خان لودین بلفظ (اشهد با الله) شهادت داد که محمد ولی خان را از عدم تعهد شاه امان الله خان را به بچه سقاؤ افشاء کرده و برای حبیب الله و سید حسین احوال داده است تا بالای حکومت بد گمان شده و بنای شرارت را گذاشتند. "یعنی هنگامی که خود احمد علی لودین بحیث رئیس تنظیم دور امانی با بچه سقاؤ عهد قرآن بسته و حیات او را تضمین کرده بود. این محمد ولی خان بود که بچه سقاؤ را مطلع ساخت تا این عهد را از طرف شاه نشناخته و اعتماد ننماید. در حالی که محمد ولی خان کتبا تصریح کرده بود که هنگام وکالت سلطنت "بچه سقاؤ که یک دزد کوه گریز بود خواهش کرد که با او عهد قرآن و تضمین جان شود آنگاه خودش تسلیم میکند اما من چنین عهدی را با یک دزد نه پذیرفتم و تسلیم بدون قید و شرط او را خواستم". وقتی که احمد علی خان شهادت خود را ادا کرد، محمد ولی خان با استحقار نگاهی به او افکند و جواب سابق خود را تکرار نمود. آنگاه احمد علی بایستاد و با لهجه دریده گفت: "والله خاین استی، با الله خاین استی". محمد ولی خان به رئیس مجلس خطاب کرد: "شما رئیس اید حفظ آداب گفتگو را در مجلس بعهدہ دارید نباید اجازه دهید که آدمی مانند احمد علی خان هرزه گویی کند و اما من حاضریم که نه تنها از کارهای خود بحیث وکیل اعلیحضرت امان الله دفاع کنم بلکه خود را مسئول و جوابده تمام اعمال و اقوال اعلیحضرت امان الله میدانم." اما رئیس مجلس مجال نداد و شهود دیگر را پیش کشید که همه به نوعی از انواع وابستگی محمد ولی خان را با بچه سقاؤ شهادت دروغین دادند.» 27

سامعین بی طرف بکلی مبهوت شده بودند که چگونه دوستان و خدمتگاران بچه سقاؤ همه در اینجا مطمئن و آرام نشسته و دیگری را به دوستی بچه سقاؤ محکوم می نمایند و چگونه دشمنان شاه امان الله خان امثال عبدالاحد میار و احمد علی لودین و خاندان نادر شاه مرد دیگری را بنام دشمنی با شاه امان الله خان متهم و محکوم میکند، در همان بی عدالت گاه نادری، غلام محی الدین آرتی از صف سامعین بایستاد و فریاد کرد: "این شخص صادق افغانستان را که شما زیر تهدید قرار داده اید، چرا نه می گذارید که در هجوم این اتهامات وکیل مدافع بگیرد؟ و هنوز سخن این مرد در دهنش بود که به امر رئیس مجلس او را کشتان کشتان از تالار محکمه خارج کردند. (ولی او در بازار شاهی رفت و مردم رهگذر را جمع و مخاطب قرار داده بیانیۀ مفصلی راجع به شخصیت و خدمات محمد ولی خان و توطئه خائنین علیه او ایراد کرد و گفت این شخص از جهتی محکوم میگردد که او ضد ارتجاع و انگلیس بود...)

متعاقبا راجه مهندرا پرتاب در صف سامعین بایستاد و به رئیس مجلس گفت: "اگرچه من یک نفر خارجی و در این مجلس سامع هستم و حق سخن زدن ندارم، معهذا شما را متوجه می سازم که محمد ولی خان از رجال بزرگ و بین المللی افغانستان است که برای معرفی کردن استقلال آن در ممالک خارجه خدمات قیمت داری انجام داده است. باید شما در رفتار و قضاوت نسبت به او محتاط باشید و شخصیتش را در نظر بگیرید. تا کنون از طرف بسی آزادی خواهان (مطلبش از مبارزین هندوستان بود) تلگراف های متعددی راجع به این شخصیت و حمایت او رسیده است.... رئیس مجلس چون نمی خواست مهندرا را مثل غلام محی الدین خان آرتی که یک نفر تبعۀ افغان بود، تحقیر و توهین نماید، به نرمی او را متوجه حفظ موقعش بحیث یک سامع خارجی ساخت." 28

غبار ادامه میدهد: "از صف مقابل عبدالرحمن لودین، رئیس بلدیۀ کابل بایستاد و صدا کرد که: "مضحک تر ازین محکمه در جهان نبوده است که برای محکوم کردن شخص مانند محمد ولی خان باتهام طرفداری از بچه سقاؤ شهودی که علیه او آورده شده، همه از دوستان و خدمت گاران بچه سقاؤ هستند از روپاه پرسید که شاهد ادعایت کیست؟ در جواب دم خود را جنباند و گفت اینست شاهد من" ... سخنان عبدالرحمن خان تازه آغاز شده بود که احمد علی خان لودین از جاه جهید و با کمک دو نفر محافظ از دستهای رئیس بلدیۀ شهر گرفته او را از مجلس خارج نمودند. رئیس

نوت: محی الدین آرتی را در پشاور اشخاص نامعلوم؟؟؟ ترور نمودند ، عبدالرحمن لودین را مثل دیگر کشتار ها نادر خان بدون سوال و جوابی یا محکمه و یا ثبوت جرمی از سر سفره و دستر خوان امر کرد که او را تیر باران کنند و غبار از ۱۹۳۳-۱۹۳۵ زندانی سیاسی و سپس در ولایات فراه و قندهار نه سال (۱۹۳۵-۱۹۴۲) تبعید سیاسی بود.

مجلس هم جلسه محاکمه محمد ولی خان را خاتمه یافته اعلان کرد و خودش را به محبس فرستاد."

چون محمد ولی خان را به خیانت به امان الله خان؟؟؟ متهم کردند، در همین زمان اعلیحضرت امان الله خان طی تلگرافی به محمد ولی خان نوشت:

«عزیزم محمد ولی خان!

امروز ترا به جرم خیانت به من محکمه می کنند. من می نویسم که نه به من تو خیانت کردی، نه به مردم افغانستان نه به مملکت»**29**

غبار جلسه دوم تاریخی 22 دلو 1308 را در باره محمد ولی خان چنین می نگارد: "بعد از اخراج محمود سامی از محکمه محمد ولی خان را احضار کردند ، و دفع جر خواستند. محمد ولی خان این بار نیز دفاع خودش را کتبا ارایه نمود. رئیس مجلس و میر غلام وکیل اثبات جرم ، باز شهود گزایی را پیش کشیدند و آنگاه محمد ولی خان را مرخص و خود حکم به خیانت او نمودند. فیصله این مجلس کتبا به شاه تقدیم شد." **30**

چون دیوان عالی فقط بخاطر بد نام ساختن و کشتن محمد ولی خان از جانب نادر خان تشکیل شده بود و او چند نفر گماشته خود را که در دوران حبیب الله کلکانی با او دوست و همکار بودند طور خفیه دستور و اشاره داده بود که بهر صورتی که شود باید محمد ولی خان خاین ملی ثابت گردد از آنجائی که گفته اند، نوکر نو آهو را بدو می گیرد و بگفته مبارز نامدار شهید عبدالرحمن لودین گماشته گان نادر آدم کش رویه هایی بیش نبودند که با جنابان دم شان شهادت میدادند. لذا بخاطر تعلق و تقرب به شاه جدید همه مسایل محکمه مطابق خواسته نادر خان ثابت و دروغ های نا جوان مردانه را به آن ضمیمه ساختند و نادر فیصله این محکمه ساختگی و گزایی را چنین تصدیق می نماید: "برای محکمه محمد ولی و محمود سامی دیوان عالی تشکیل کردم ، آنها بحضور ملت محکوم به خیانت ملی شدند و جزای شان به حکومت تفویض گردید."

نادر شاه که همه اوضاع را توسط گماشتگان و مخبرهایش تعقیب میکرد و می دانست که در مجلس غلام محی الدین آرتی، عبدالرحمن لودین و آزادی خواهان هند در باره او چه سخن های گفته اند، اما از آنجائی که به محمد ولی خان کینه دیرینه داشت، همه نظریات مردمان بی طرف را نادیده گرفت و آنها را از شمار خائنین بحساب برد . چون محمد ولی خان از محبوبیت زیاد ملی و بین المللی بر خور دار بود، نادر از مقام سیاسی و نام او ترسیده در هفدهم حمل 1309 ش در مجلس مامورین ، نظامی و معارف و شهروندان به فیض محمد ذکریا وزیر خارجه خود امر کرد که اوراق تحقیق را بخواند و وی بعد از چند کلمه چون اوراق و متن فیصله را پنهان نگهداشته بود در تردد افتاد و نادر شاه فوراً جلو سخن را بدست گرفته چنین گفت: «حسب فیصله محکمه یک سزا حبس است و یک سزا اعدام پس اول طرفداران اعدام محمود سامی ایستاده شوند ...

29 - مصاحبه شادروان خالد صدیق چرخي با احمد شاه رستا - تلویزیون بهار تاریخ 21 دسمبر 2020

30 - غبار جلد دوم ص 64 و 65

مجلسیان اکثر بایستادند. آنگاه نادر شاه گفت طرفداران اعدام محمد ولی خان ایستاده شوند و طرفداران حبس او نشسته باشند. مجلس که بین حکم اعدام و حبس محصور مانده و راه سوم نداشتند، پس جزای کمتر را انتخاب نموده و اکثریت در جای خود نشسته ماندند. نادر شاه به شتاب گفت که «مجلس به اتفاق آراء اعدام محمود سامی را خواست پس او اعدام شود. در مورد محمد ولی خان به احترام از تساوای آراء (در حالیکه آراء حساب نگردیده بود و نشستگان بمراتب زیاد

بودند) به حبس او اکتفا شود و مدت حبس هشت سال خواهد بود.»³¹

این واقعه در ماه اپریل 1920 بوقوع پیوست. غبار ختم جلسه را که خود حضور داشت چنین می آورد: "از اینکه محمد ولی خان کشته نشد (مجلسیان به استثنای دسته مخصوص گماشته گان حکومت) مهمه شادی سر دادند، نادر شاه هم ختم مجلس را اعلام نمود».

نادر شاه از آن به بعد تا زنده بود کسی را علناً محاکمه نکرد. گر چه عجلتاً محمد ولی خان را نظر به تقاضای وقت نه کشت و محبوس نگهداشت. ولی او کشتن این مرد را وظیفه خود میدانست، ما در تاریخ دیدیم محمود طرزی نزد نادر خان (ملعون) بود که حتی باید نامش گرفته نمی شد و خانواده اش تا آخرین روز قدرت چنان کردند. داوی عمری را در حبس گذراند، لودین و بلوچ و اعدام شدند، انیس به یک کلمه سفیر بریتانیه زندانی و در آنجا فوت شد و.... لهذا در تابستان 1933 24 سنبله 1312 هـ ش (بدون علت و دلیل تازه یی امر کرد تا او را با چند نفر دیگر، جنرال غلام نبی خان چرخ، جنرال شیر محمد خان چرخ، فقیر محمد خان و میرزا مهدی خان بدار کشیدند. سید شریف سریاور نظامی شاه در زیر دار به محمد ولی خان تکلیف کرد که خودش ریسمان دار را بگردن اندازد ، محمدولی خان استتکاف کرد و گفت: "به نادر بگوئید که آمده ریسمان را بگردنم اندازد"، سید شریف با یک حرکت وحشیانه پیش شد و گفت: "من این ریسمان را به گردنت می اندازم" و هم انداخت. محمد ولی خان باز گفت: "به نادر خان بگوئید که اگر تو هزاران آدم مثل مرا بکشی باز هم روزی رسیدنی است ملت افغانستان ماهیت اصلی ترا خواهند شناخت و حساب خود را خواهند گرفت" سید شریف سر یاور مجال بیشتری نداده ریسمان را کشید و حرکات بی ادبانه اجرا نمود." ³²

محمد ولی خان دروازی در ۲۴ سنبله ۱۳۱۲ (15 سپتمبر 1933) بمر ۴۲ سالگی در قتل گاه نادری کشته شد. عبدالصبور غفوری درباره اعدام محمد ولی خان می گویند که او از مامور سراج الدین آمر زندان شنیده است که:

"بادار مه رفتم محمد ولی خان وکیل را از برج کمئیر بردم بیچاره وکیل از مرگ خود بسیار خوشحال شد و گفت پام کوتاه شده و مریضی دایمی دارم، مرگ مرا از این همه غم و تکلیف نجات میدهد" وی علاوه میکند که: "گفتم محمد ولی خان در جمله این نفر ها کشته شد؟ گفت بلی ، بلی همراه وکیل پنج نفر غر غره شدند. گفتم مامور صاحب در کجا غر غره شدند گفت در حویلی محبس غر غره کردند. مگر این پنج نفر را در داخل محبس درحالی که دروازه داخل محبس را بسته بودند و محبوسین در اتاق های شان بودند و اطراف محبس عمومی را یک تعداد عسکر احاطه کرده بودند بدار اویختند" او چنین ادامه میدهد :

« گفتم جسد آنها چه شد گفت جسد وکیل را یکنفر از نوکر های او و جسد فقیر احمد خان را پدر ریش سفیدش و جسد

مهدی خان را یک تعداد از خویشاوندان او بردند. جسد غلام جیلانی خان و شیر احمد خان را در پهلوی قبر غلام نبی

خان در یک گوشه خانه شان در اندرابی دفن کردند.»³³

31 - همان جا ص 66

32 - غبار ص 66 و 67

33 - عبدالصبور غفوری - ص 244 و 245

جریان محاکمه و اعدام دروازی و یارانش در مطبوعات دولتی آن هنگام، منجمله شماره 36 روز نامه دولتی «اصلاح»

در 20 سنبله 1312 در آغا ز با قسمتی از سوره مبارکه ابراهیم 47 (إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ) تحت عنوان «اعدام خائنین»

و «وطن» از سوی مدیر مسئول برهان الدین کشکی {34} چنین درج گردیده است:

اصلاح سال پنجم مورخ 25 سنبله 1312 ش.

{کاپی از سایت حزب همبستگی}



«از خیانات بزرگ محمد ولی که با سقویان جهت تباهی مملکت همدستی کرده بود و از دست همین

خائنین حقوق ناشناس، دچار سلطه سقویان و انقلاب گردید؛ همه ابنای وطن عزیز ما مطلع اند و هم تفصیل خیانت کاری های او را در کتاب رویداد ریاست دیوان عالی که راجع به محاکمه خائنین ملت و غداران مملکت است مطالعه کرده اند. هرچند نامبرده در موقع محاکمه دیوان عالی که راجع به تحقیق اعمال خائنانه او دایر گردیده بود، مستوجب قتل شناخته می شد معذلک ترحم و الطاف شهریار استقلال و نجات بخشای افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی از قتل وی منصرف و مجازاتش را به هشت سال حبس تحویل داد....» و برای توجیه اعدام این نماد آزادی و استقلال، اتهام واهی علیه او در عین مقاله وارد می گردد: "... قرار اطلاعی که اخیرا بدست آمده محمد ولی در محبس هم از همان اعمال اختلال جویانه و ریشه دوانی های که مضر حال وطن بود، دست بر نداشته الآن کماکان مشغول دسایس فتنه جویانه دیگری بود و می خواست جرم سنگین تری را نسبت برacht و امنیت موجوده وطن ارتکاب نماید چون حکومت متبوعه ما همواره طالب خیر و رفاه ملت و خواهان آسایش و سعادت مملکت است، درین مورد تحقیقات اصولی را تعقیب و بعد از اقناع خاطر و اثبات کامل نسبت به شرارت افگنی و فتنه جوئی محمد ولی، نامبرده محکوم به اعدام گردید، چنانچه دیروز آن خائن مفسد با غلام جیلانی، شیر محمد، محمد مهدی و فقیر احمد اعدام گردیدند.» در اخیر، این جنایت های شان را در قالب همان فرمول کهنه «شاه سایه ی خدا» پنهان نموده و مینویسد: «... چون حافظ و ناصر این ملت صادق و امنیت جوی افغانستان ایزد تعالی است، خود آنها را به کیفر کردار شان رسانید و باین وسیله وطن عزیز ما از شر این خائنین مفسد نجات یافت.» 35

اما خالد صدیق چرخي، پسر غلام صدیق چرخي و برادرزاده غلام نبي خان چرخي که هنوز کودک شش ساله ای بیش نبود در اوایل ۱۹۳۲ همراه با کاکا زادگانش راهی زندان گردید و پانزده سال را در آنجا سپری نمود، در کتابش «از

34- برهان الدین خان کشکی در عهد امانیه مدیر مسئول جریده "اتحاد مشرقی" و بعد ها نگارنده "حقیقت" بود و در مذمت شورش ملا عبدالله و شورش پکتیا می نوشت. در دوره شوم کلکانی مدیر "حبیب الاسلام" شد و بر ضد دور امانی و شخص شاه مقالات نوشت. با آمدن نادر خان بی نهایت توهین آمیز به انسان و کرامت انسانی به دربار آنها و در خدمت آنها در آمد.

35 - بهروز پویان - <http://www.hambastagi.org/>

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

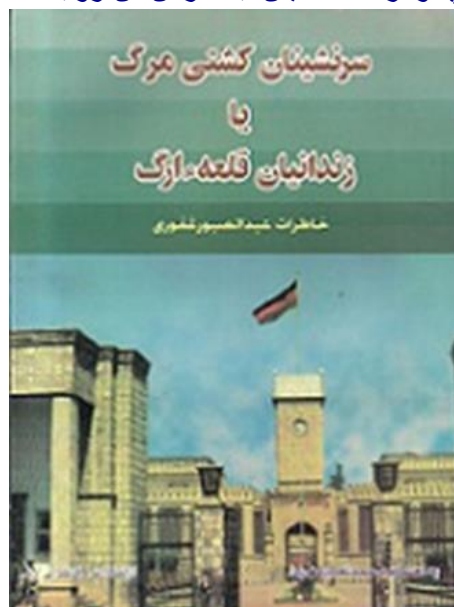
د پانو شمیره: له 13 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

خاطر اتم - یادداشت‌های حبس سیاسی از کودکی ام در افغانستان» حقیقت را از زبان هم‌بندش، فاروق جان تیلگرافی، چنین می‌نویسد:

«...پس از شهادت کاکایش [غلام نبی خان چرخ‌ی]، او [شیرمحمد خان، یکی از جنگجویان دلیر علیه رژیم سقوی و از طرفداران امان‌الله خان] یکجا با جنرال غلام جیلانی، محمد ولی دروازی - نایب السلطنه امان‌الله خان، مرزا محمد مهدی خان سرمنشی، خواجه هدایت‌الله و فقیر خان به بی‌رحمانه‌ترین شکل به قتل رسیدند. تمام این اعدام‌ها بدون کدام تحقیقات جرمی و محاکمه صورت گرفت.» **36**

در این جا لازم می‌افتد که حکایتی را از زبان بازماندگان محمد ولی خان بنویسم. گفتیم که جسد وکیل السلطنه امیر امان‌الله خان یعنی محمد ولی خان را یکی از نوکر هایش (محمد نبی) از اعدام‌خانه محبس به بیرون برد. در این وقت یک تعداد زیاد سفید پوشان که لباس‌های شان برنگ سفید ولی میلان به رنگ ابی داشتند جسد شاه صاحب محمد ولی خان را برداشته و در قبرستان رسانیدند و جنازه اش را بر سر قبر ادا نمودند. اطفال کوچک محمد ولی خان در وقت طفولیت این داستان را از بیرون خانه شنیده بودند، مگر آیا آنها ملایک بودند و یا آدمی زاد معلوم نیست ولی متذکر باید شد که شاه محمد ولی خان عادت داشت که خیرات و صدقات زیاد را در مدارس و مساجد می‌فرستاد تا مدرسین و طلاب دچار تکالیف اقتصادی نگردند. روی این دلیل گفتند که آنهمه سفید پوشان که میت آن شهید را برداشته و جانب قبرستان برای دفن بردند، به این فکر بودند که شاید همه شان را نادر غدار به نسبتی که جسد محمد ولی خان را با عزت و احترام به قبرستان برده و دفن کردند کشته شوند و روی آن دلیل همگی خود را در کفن‌ها پنهان کرده بودند زیرا که به عکس العمل حکومت یقین داشتند ولی از آنجائی که اطفال محمد ولی خان خورد سال بودند بخاطر ندارند که بر سر آن کفن پوشان چه وقایع رخ داد. مشابه داستان سفید پوشان آبی رنگ و یا به اصطلاح اصلی کفن پوشان فوق‌الذکر میر قاسم خان که بعد از تقریباً دو ماه از اعدام محمد ولی خان بخاطر قتل نادر غدار توسط دلیرمرد هزاره عبدالخالق بقول مردم معروف به سگ کش محکوم به اعدام شد که از طریق همکاری‌های علاقمندان از زیر دار نجات یافت شرح حال خود در وقت اعدام عبدالصبور غفوری در داخل زندان چنین حکایه کرده است: «وقتیکه ما رسیدیم صحنه نهایت فجیع گردید و عبدالخالق را یک عده مردان ناشناس که بعضی لباس‌های عسکری و برخی لباس‌های ملکی پوشیده بودند احاطه کردند و دیگر افراد هر یک در زیر دار قرار داده شدند و من هم در زیر دار برده شده ریسمان دار مانند آزدهای مخوف نزدیک گردنم آویخته بود. آوازهای جگرخراش عبدالخالق بگوشم رسید که گوش‌های او را بریدند و چشمان او را با چاقو از کاسه کشیدن. بعد از آن من رو به آسمان کیود اشکالی را به کثرت مشاهده کردم که تعداد آنها لایتنهای و با لباس‌های نیم تنه هر کدام شان در آسمان نیله گون محو بود. نیم تنه شان با پیراهن زنگاری بخوبی مشاهده گردید. صفت حور که در قرآن کریم خوانده شده و درباره آنها تطبیق می‌گردد. من از مشاهده آن همه مخلوق زیبا محو و حیران شدم، از مشاهده صحنه مقتل و وضع فجیع قتل عبدالخالق و دیگران فارغ شدم و محو تماشای خیل‌های حور که متوجه تماشای پائین و اعمال مردم زمین بودند، گردیده بودم، که ناگاه شخصی از بازویم کش کرد و گفت میر صاحب، وقتی که به او متوجه شدم، حیدر خان معین دربار بود که مژده عفو اعلیحضرت را بمن آورده بود. او اظهار داشت که اعلیحضرت به نسبت سید بودن و خدمات تان شما را از اعدام معاف فرمودند. من باز به امید تماشای آن اجسام آسمان شدم. مگر در آسمان اثری از آن‌ها ندیدم. وقتی که چشمم متوجه صحنه قتل گردید دیدم که یک تعداد زیاد مقتولین در دار آویخته و چشمان شان از حدقه‌ها بیرون و زبان‌های آنها بقسم فجیع از دهن‌های شان بیرون برآمده بود. دیدن آن اجسام مرا تکان داد در مقابل چشمم جسم خون‌آلود عبدالخالق که در بین جوی خون افتاده بود توجه مرا جلب کرد، لحظه



36 - صفحه ۶۸، نسخه انگلیسی کتاب «از خاطراتم: یادداشت‌های حبس سیاسی از کودکی ام در افغانستان»

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 14 تر 18

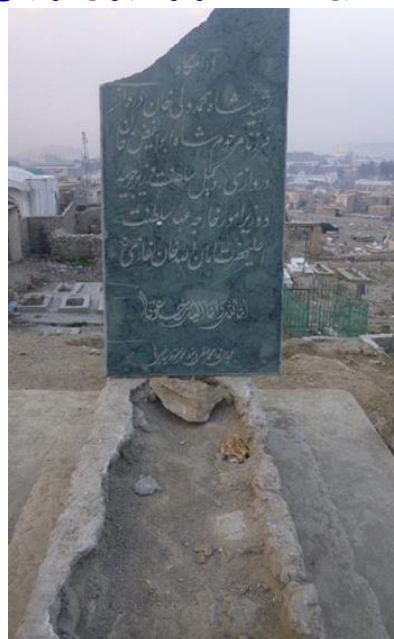
افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نشستم و خاموش ماندم ، عاقبت از جای برخاسته با یک تعداد محافظ جانب زندان آمدم و باز به این محوطه غم و الم داخل شدم.» **37**

نادر زماني که به افغانستان آمد هجده ساله بود، بعداً وظایف مختلفه به او داده شد و در طول اجرای وظایفش دربارهٔ مردم افغانستان و اطرافیان شاهان معلومات کافی بدست آورد و در زمان حکومت امیر حبیب الله کلکانی در خارج بسر می برد «و بقرار نوشته های غبار و دیگر نویسندگان نادر به کمک و تشویق انگلیسها از طریق پکتیا در مقابل حبیب الله کلکانی لشکر کشید و با الاخره بگفتهٔ محمد ولی خان دروازی که گفته بود « نادر خان حتما کابل را می گیرد و پادشاه می شود.» ، حبیب الله کلکانی را شکست میدهد و خود در مسند شاهی تکیه میزند.» **38**

«با این محاسبه نادر را میتوان در یکی از عناصر اهل غرض شمرد ، محمد ولی خان که یک شخصیت نیک کردار ملی و بین المللی بشمار میرفت از با اعتماد ترین شخصیت های ارکان دولت در نزد امیر امان الله بود. در طول ماموریت هایش نادر بر علیه او عقده گرفته بود و یکی از وظایف او را امیر امان الله قسمی که یاد آور شدیم به محمد ولی خان واگذار گردیده بود که عقدهٔ نادر را زیاد می ساخت.» **39**

«قرار قول غبار، نادر شاه کسانی که دشمنی با انگلیسها داشتند آنان را به هر وسیله یی که می یافت اعدام و یا در حبس نگه می داشت و کسانی که به پادشاهی و برگشت امیر امان الله خوش بودند ایشان نیز به بهانهٔ همکاری با امیر حبیب الله کلکانی دستگیر و اعدام میکرد و یا در زندان می فرستاد. از جملهٔ کسانی را که باید اعدام مینمود و از میان می برد محمد ولی خان بود، و او را به بهانهٔ اینکه برضد امیر امان الله خان بود و به طرفداری حبیب الله کلکانی فعالیت می کرد، بزودی گرفتار و به زندان می اندازد.» **40**



در دو دهه اخیر گور های جنایت کاران دزدان و غارت گران وطن فروش را می آراید، آرامگاه این مبارز بزرگ در قول آبچکان همسان آرامگاه صدها مبارزه راستین دیگر به صورت مخروبه موجود است.

نامه از محمد ولی خان به اعلیحضرت امان الله خان

نامه آگاهی

37 - غفوری ص 280 تا 289

38 - عنایت الله شهرانی

39 - عین مأخذ

40 - عیضاً

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 15 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

خدای را در محنت شکر گذارم بر آنچه هدایت و کفایت یافته ام از او سبحانه، و خدای را منت دارم بر آنکه، درین زمین فراخ، بدین مکان کوچک و اندک قناعت دارم و جز او از کسی منت نبرده ام. باز هم خدای را شکر دارم که به حضرت و فرقت در عزل و تقرر، امید و باورم را در احوالات گرم و سرد دنیا ضعیف نمی گرداند. آنچه مایه نگرانی و اندوه نهانی در ضمیر من است از آن درک است که مبادا بعملی دست زده باشم که مومنی را آزار بی موجب عاید شده باشد و من در لباس نخوت و غرور از آن غافل مانده باشم.

درگناه خویش از ترک واجب آنقدر بیمناک نیستم، که از ترک وظایف و وجایب خویش در برابر مردم محروم و مظلوم وطنم درواهمه ام. چه ایشان را حق بسیار تلف کرده اند و کسی از متصدیان امور و مقربان حضور در دستگاه سلاطین و مالکین بدفاع برنیامده است.

منظور راقم سطور در مزاحمت اوقات سرور، برای حضور، آن نیست که از نقش و موقف نامناسب خویش بسیار دلتنگ آمده باشم، بلکه اگر درست آموخته باشم، احوال موجود در کار اداره مملکت براهی می رود که از آن سوی بوی ناقراری و غم بزرگ به مشام میرسد...! من در طمع آن نبوده ام که اختیارات مملکت به حیث صلاحیت و ولایت من باشد، صلاح مملکت در آنست که، توان و ایمان شخص برای مقامی که دارد و یا می خواهد داشته باشد، در نظر گرفته شود. انگیزه خصومت که از قدرت بیاید، هلاک مردم و ضیاع منفعت عموم مینماید.

دولت بهیه انگلیس که از نتایج معاملات سیاسی و ۳ جنگ با مردم ما، بسیار ناراضی است، در کمین نشسته تا فرصت بیاید و به مسئولان این مملکت درد سر ایجاد کند. من بارها گفته و به آشکارا می بینم که انگلیس ها در پی انجام معامله و تفاهم با کسانی در داخل دولت شما شده اند. اینهمه سرداران، شاه آقاسی ها، سپه سالارها، ایشک آغاسی ها، لشکریان- اراکن مملکت، اعتمادالدوله ها، بازماندگان امیر* و مرتبه داران واجب الاحترام، که به جز عیاشی و فحاشی خاصیت خوبی ندارند، رگ رگ حیات مالی مملکت را پوسانده اند. من مطابق قرار شخص شما در یک سنجش عملی، از کیفیت کار اراکن و آمران ذیصلاح در نظام سلطنت، بیش از 70 هفتاد دفتر، اداره و وزارتخانه را کنترل کردم، در گزارش مفصل هیات به میر سیدقاسم خان وظیفه دادم تا صورت احوال شرح کنند و با قدرت منطق و دلیل صدر مملکت و فرزانه فرزند مردم حضرتعالی را در قبال اوضاع جاریه آگاهی رسانند.

شرح پریشانی خیالات سیاسی چندین بار صورت گرفت. خیال خیانت و فکر فریب دادن شما در نزد برخی نزدیکان و امیرزادگان هویدا شده است. نادر خان و برادران با فرزندان سلطان محمد خان، شبانه روزی در تدارک و تعاقب وقتی هستند که نزدیکان شما را با دشمن تراشی غیر سرداران علیه سلطنت بفریبند و ارتباط پادشاه را از مردم قطع کنند. چون هیچیک از گزارشات و راپور های مکتوب منعکس نگرید، فلذا دانستم که بین همه کارداران صدیق و مومن در سطوح اجرایی دولت و مقام سلطنت، ممانعتی پیدا شده است از جناب محمود طرزی در خواست کردم که شما را به آینده دردناک و اوضاع نابسامان مملکت واقف گرداند، تا باشد که اصلاحات فرمایند و "سرداران" از "سرداران" جدا گردد و خدمت صادقانه به فرزندان صدیق خاک وگذار شود. من برای صلاح مملکت و بهبود زندگانی ملت جدا جدای

افغانستان، حاضرم تارک خاک شوم، اگر بتواند غیابت من موجبات رضایت خاطر کسانی را حاصل کند. مناسب حال خود دیدم، شعری را که "علی بن اسد" مولی امیرالمومنین، امیر بدخشان در سال 424 هجری در وضع خویش سروده

است و ان را فیلسوف خراسان، کاتب جامع الحکمتین حضرت شاه ناصر ولی (رح) با مشاهده نقل کرده است، برای احوال خویش ذکر کنم (الف):

گر بشد از من منال و مال ولایت

جود و شجاعت نشد، نه فضل و کفایت

شکر خداوند را که مایه به بجای است

سود کنم گر کند خدای عنایت

میدهد او روزیم، اگر نه ولایت

باری که دادست، عاقلیم هدایت

برخی ادمها به درخورشان و قدرت خویش، به آفت غرور و تکبر گرفتار میشوند. این آفات هلاک عزت و حرمت دیگران میشود، چه غرور و تکبر ذوال ایمان و ضیاع عقل انسان مینماید. زحماتی که از نوجوانی ام در دستگاه امیر متقبل شدم، مرا بسیار خوب پرورده است. من هرگز در کارهایم تردید و نا باوری را نمی پذیرم، کارهای مهمه و صلاح سیاسی به سنجش های عاقلانه مربوط اند. سعی و کوشش های صادقانه در زمان ایشان و بعد از آن چه در حوزه سیاسات و چه در بخش های اداره و مدیریت امور، اعتماد

را در من ایجاد کرده است که، بسیار زود به سنجش بگدزم و به پیامد اعمال ناظر باشم. خوشبختانه در طاقت و حوصله خویش آنچه را که بمن سپرده شده بود، بموقع انجام دادم و از آن بابت درخود سرافکنده نیستم. آنچه را که دیدم و دانستم، اگر برای اجرا و انجام ممکن بود، معطل نکردم. تعلل، تغافل، خوش گذرانی، شوخی بامور و بازی با سرنوشت در شریعت بنده نیست. هرچه الحمدالله توفیق پرودگار نسبتاً شامل حالم بود.

آنچه را درین مجموعه یاد داشت ها ذیل نام "نامه های آگاهی" بشما و برای معطوف داشتن فکر و خیال شما در باب رهبری امور و دلیل وانگیزه قصور، نوشته ام و می نویسم، شکایت، گلایه و یا توصیه نیستند؛ این جملات حقایقی اند که آب زلال عدالت و تحول در حاکمیت را به گنداب ظلم و بیهودگی بدل کرده اند، و آن شاه متجدد و خیر اندیش راکه یار دوران کودکی و نوجوانی من است، آرام آرام در اثر زهر پاشی و عیاشی برخی از عزیزان، نا آرام از کرسی ترقیطلبانه به پستوی فراموشی و بی اثری قرار داده میشود. پس حتمی دانستم که با این بهانه مشوره هایم را از آن دلاور واقعین و مسئول امور والدین دریغ ندارم. وجیهه امین به امیرمومن" {41}

«بازستانی استقلال افغانستان یک پدیده خود جوش و تصادفی نبوده، بلکه حاصل مبارزات سازمان یافته، تجدد گرایانه و اندیشه های میهن پرستانه ای قهرمانانی است که با فدا کاری و از خود گذشتگی بی نظیر، نقش قاطع را در شکست استعمار انگلیس ایفا نمودند. این مبارزات سیاسی و اجتماعی که در یک روند تاریخی ریشه گرفت، رشد یافت و تکامل کرد، دانستن آن اگر چه خلص، برای جوانانی که به تازه گی پا بر عرصه سیاست و مبارزات آزادی خواهانه و ترقی خواهانه گذاشته اند ضرور و آنها را در پیکار شان کمک نموده و مؤثر است. در این جا منظور ما از بحث تاریخی نیست، بلکه بسیار کوتاه و فشرده از قهرمانانی و جنبشی توصیف میشود که به باور نگارنده دستاورد آنان اولین انقلاب ضد استعماری و ضد استبدادی، مترقی و مردمی در افغانستان بود، که روزنه نوینی را در تاریخ معاصر میهن ما گشود و دورنمای سیاسی مبارزات عدالتخواهانه و تجدد گرایانه را روشن ساخت، باید آشکار ساخت که نگارنده روند بازستانی آزادی افغانستان، خود سالاری و پیروزی مردم ما را بر استعمار کهن یک انقلاب اجتماعی- سیاسی دانسته و همیشه در نوشته های خویش از آن بنام انقلاب یاد نموده ام. در شرایطی که سلطه افزاینده سیاست های استعماری، بیسوادی مردم، فقر و تهی دستی، عقب مانده گی فرهنگی، ارتجاع تاریک اندیش و استبداد زمامداران بی مسوولیت، شرایط را برای بیداری مردم بس دشوار و پیچیده ساخته بود و نمی گذاشت اندیشه های استقلال طلبانه و میهن پرستانه میان مردم در جامعه نفوذ و تشکل سازمانی پیدا کند، امیران و حاکمان به زندانی نمودن ها و اعدام های وطن پرستان می پرداختند و هرگونه صدای تجدد گرایی و آزادی خواهی خاموش می گردید، و جنایاتی را که هیچ دولت خودکامه دیگر درحق

مردمش نکرده بود انجام می دادند، در چنین وضع جنبش سیاسی نیرومند در کشور ما شکل گرفت و برای پایان بخشیدن به سلطه ای استعمار انگلیس و دولت استبدادی مزدور و حاکمیت مرتجعین و به میان آوردن یک دولت مدرن و عادل به نبرد برخاستند، دانشمند و تاریخ نگار میهن ما صدیق فرهنگ درکتاب "افغانستان در پنج قرن اخیر" با اشاره به تداوم نهضت سید جمال الدین افغانی، چنین مینویسد: "جریان اجتماعی زمان و زایش جنبش و عواملی که همواره در داخل جامعه کارگر می افتد، در مقابل هرگونه استبداد و تشدد بر مقاومت جامعه می افزاید و نیز شروط اقتصادی و وضع طبقاتی مردم نگذاشت که فکر نو بکلی از بین برود"

مشروطه خواهان به مبارزات سازمان یافته و متشکل بخاطر برآورده شدن اهداف شان – رهایی از اسارت و عملی ساختن اصلاحات دست زدند، این مبارزات سال به سال فزون تر می شد و به جوانان میهن پرست افزوده می گردید و جریان آن بطرف تشکیل یک جنبش قوی سیاسی در حرکت بود، که این جریان در تاریخ افغانستان به "جنبش مشروطه خواهی" معروف است. « 42



«نادر»
و «هاشم»
کوتاه
نفر هر
محمد ولی
دروازی
محمد
پنجشیری
هدایت الله



دو برادر
خان
خان در
مدتی شش
یک،
خان
- فقیر
خان
- خواجه



|| - غلام جیلانی خان چرخي، فرقه مشر شیر محمد خان چرخي و محمد مهدی خان چنداولی به جرم بی گناهی مثل دهها و صد های دیگر اعدام کردند ||



42 - داکتر آرین رشاد - از مشروطه خواهی تا به استر داد استقلال افغانستان - مرداد ۲۰، ۱۳۹۸ - سایت
/18484/1398https://jawedan.com/

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 18 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خير و لولئ